

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۰۷ نومبر ۲۰۱۵

زور گوئی سرمایه داران و گستردگی مبارزات کارگران

نگاهی به صحنه سیاسی کشور، خبر از رشد روز افزون مبارزات طبقه کارگر و ابعاد وسیعی که اعتصابات و تجمعات کارگری پیدا کرده می دهد. ابعاد این مبارزات که گاه اشکال قهر آمیزی هم به خود می گیرند، طبقه حاکمه را شدیداً به وحشت انداخته است؛ چرا که سرمایه دار های ایران هم چون هم طبقه ئی های خود در سراسر جهان می دانند که در پشت سر چنین اعتراضات و اعتصابات "اژدهای انقلاب" خوابیده است.

از آن جا که سیاست رسمی جمهوری اسلامی مبتنی بر جلوگیری از اشاعه همه اخبار مبارزاتی کارگران می باشد، اخبار کارگری در شرایطی در رسانه های رژیم منعکس می شوند که این رسانه ها با اعمال سانسور شدید می کوشند تا آن جا که می توانند مبارزات کارگری و گستردگی وسیع این مبارزات را از افکار عمومی و از چشم کارگران مخفی نگاه دارند. با این حال و علی رغم سیاست مذکور، گاه برخی از مقامات رژیم برای پیشبرد سیاست های مردم فریبانه خود آمار هائی ارائه می دهند که توجه به آن آمار ها بخشی از پرده های سانسور را از هم می درد و گوشه ای از واقعیت بزرگ وسعت اعتراضات کارگری را به نمایش می گذارد. برای نمونه به گزارش "کارگران کرمان"، استاندار کرمان در روز چهارشنبه ۱۸ شهریور ماه [سنبله] در سخنرانی خود در نمایشگاه "بومی سازی قطعات معدنی و صنعتی گل گهر" ضمن اشاره به اعتراضات کارگری رخ داده در این استان، آن هم از ابتدای سال جاری گفت: "نباید در استانی مانند کرمان که بهشت معادن و صنایع است، ۶۵۰۰ اعتراض کارگری رخ دهد، خیابان مسدود شود، مردم اعتراض کنند و خانواده های کارگران در مضیقه باشند" بنابراین، وقتی تنها در استان کرمان و به اعتراف استاندار آن در فاصله زمانی کمتر از ۶ ماه شاهد ۶۵۰۰ اعتراض کارگری باشیم تصور ابعاد بزرگ این اعتراضات در ۳۱ استان کشور امر مشکلی نخواهد بود.

با در نظر گرفتن این واقعیت که بخش بزرگی از مبارزات و اعتراضات کارگری برای دریافت حقوق های پرداخت نشده می باشد از این جا می توان متوجه شد که بورژوازی دندان گرد ایران حتی حاضر نیست دستمزد های کارگران برای کاری را که انجام داده اند، نیز در زمان های از پیش تعیین شده بپردازد تا کارگزارانش و یا به زبانی دیگر، بردگانش قادر شوند نیروی کار خود را بر حسب استانداردهای موجود باز تولید کنند. این وضع به طور برجسته بیانگر آن ست که بورژوازی ایران نمی تواند و نمی خواهد برای برده اش حتی زندگی برده واری را تأمین نماید، امری که به قول "مانیفست کمونیست" بیانگر واقعیت تاریخی طبقه سرمایه دار و جلوه ای از این واقعیت است که: "حیات این طبقه

دیگر با حیات جامعه سازگار نیست". از طرف دیگر با توجه به ابعاد وسیع و گسترده اعتراضات کارگری در رابطه با حقوق های پرداخت نشده، خود به روشنی می توان فهمید که سرمایه داران در سایه حمایت حکومت خویش یعنی جمهوری اسلامی، کارگران ما را در چه وضعیت معیشتی غیر قابل تحملی قرار داده اند که آن ها برای رسیدن به حقوق به حق خود در همه جا به پاخاسته و دست به مبارزه زده اند تا آن جا که امروز در سراسر ایران از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب کشور جوشش های مبارزاتی کارگری در جریان است.

در رابطه با پرداخت نشدن مزد واقعی کارگران، سرمایه داران جهت کتمان این واقعیت همواره چنین تبلیغ می کنند که علت عدم توانائی آن ها در پرداخت دستمزد کارگران، وجود بحران اقتصادی است که بازار فروش کالاهای آن ها و منابع مالی شان را محدود نموده است. آن ها با تکیه بر واقعیت غیر قابل انکار وجود بحران اقتصادی اولاً در مورد دلایل شکل گیری این بحران که ناشی از بیماری خود سیستم سرمایه داری است داستان سرائی می کنند و مثلاً آن را نتیجه تحریم های اعمال شده از سوی قدرت های بزرگ (که البته خود نشأت گرفته از بحران سرمایه داری جهانی می باشد) جلوه می دهند. ثانیاً آن ها به هر ترتیب می کوشند تا کارگران متوجه شیوه برخوردی که سرمایه داران زالو صفت در رابطه با این بحران در پیش گرفته اند، نگردند. واقعیت این است که همه تلاش سرمایه داران در شرایط بحران، سرشکن کردن بار این بحران بدوش کارگران می باشد. تأخیر در پرداخت منظم دستمزد کارگران و بالا کشیدن آن از طریق اخراج کارگر و یا تعطیل کردن کارگاه اتفاقاً یکی از جلوه های همین سرشکن کردن بار بحران بر دوش کارگران می باشد، امری که در سال های اخیر در ابعاد بی سابقه ای از سوی سرمایه داران زالو صفت به کار گرفته شده است. در چنین شرایطی است که خواست پرداخت حقوق های معوقه، ابعاد بسیار وسیعی به خود گرفته و در اکثر اعتراضات کارگری فریاد زده می شود.

ابعاد این اعتراضات به گونه ای است که در سال های اخیر شاهد شکل گیری آن ها در چهار گوشه کشور بوده ایم. از مس سرچشمه کرمان تا معادن زغال سنگ البرز و از کارخانه شیشه آبگینه قزوین تا نیشکر هفت تپه و خلاصه در همه جای می بینیم که کارگران هر روز مطالبات به حق شان را فریاد زده و خواهان پرداخت حقوق های معوقه خود می باشند. اما به رغم ابعاد وسیع و گسترده مبارزات کارگری، سرشکن کردن بار بحران اقتصادی سرمایه داری بر دوش کارگران هم چنان ادامه دارد و سرمایه داران تحت پناه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی با بیشرمی تمام به این سیاست ادامه داده و از پرداخت به موقع دستمزد کارگران سر باز می زنند.

توجه به واقعیت فوق نشان می دهد که توازن قواء بین کارگران و سرمایه داران به هیچ وجه به نفع کارگران نیست و به طور چشمگیری وزنه این رابطه به طرف سرمایه داران می باشد. مسلماً یکی از مهمترین دلایل این امر پراکندگی صفوف کارگران و فقدان تشکل های مستقل کارگری آن هاست؛ و در این نیز تردیدی وجود ندارد که دیکتاتوری حاکم یکی از مهمترین موانع در مقابل کارگران برای ایجاد چنین تشکل هائی می باشد. چنین وضعیتی را بورژوازی ایران جهت حفظ نظام ظالمانه سرمایه داری و تأمین منافع سودجویانه طبقاتی خود برای کارگران به وجود آورده است، وضعیتی که با اعمال دیکتاتوری شدیداً خشن و قهر آمیز از جانب رژیم جمهوری اسلامی در جامعه امکان پذیر گشته است. بر این اساس مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و از بین بردن پایه های مادی دیکتاتوری در ایران که همانا وجود سیستم سرمایه داری وابسته در جامعه ماست اصلی ترین شرط غلبه بر پراکندگی صفوف کارگران و ایجاد نه فقط تشکل های صنفی کارگران بلکه مهمتر از آن ایجاد سازمان طبقاتی طبقه کارگر ایران در خدمت نابودی کل سیستم سرمایه داری در ایران می باشد. در این میان جای انکار نیست که کارگران آگاه و مبارز ایران در جریان مبارزات خود علیه سرمایه داران و رژیم حامی شان بیش از پیش می آموزند که امکان ایجاد تشکل های صنفی و

طبقاتی شان در گرو مبارزه با کلیت رژیم جمهوری اسلامی، تضعیف دیکتاتوری و ایجاد شکاف در آن می باشد که این جز با اعمال قهر انقلابی در مقابل قهر ضد انقلابی استثمارگران و ستمکاران امکان پذیر نیست. شکی نیست که حضور گسترده کارگران در صحنه مبارزه از یک طرف بر تجارب مبارزاتی کارگران افزوده و آن ها را بیش از پیش به این امر که جز با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، رژیم مدافع سرمایه داران داخلی و خارجی نمی توان بر دیکتاتوری غلبه یافت واقف می سازد و از طرف دیگر این مبارزات به سهم خود سهم بزرگی در ایجاد زمینه های تضعیف رژیم را فراهم می سازند. بیهوده نیست که گاه برخی از سرمایه داران حاکم بر ایران از شورش گرسنگان و خطرانی که این امر برای کل طبقه سرمایه داری ایران دارد، به همدیگر هشدار می دهند.

به نقل از : ماهنامه کارگری ، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۱ ، مهر ماه [میزان] ۱۳۹۴